

**A comparative Analysis of the Regional and Rural Characteristics in
Novels *A Pilgrim in the Rain* by Ahmad Mahmood and *Stormy Spring* by
Najib Al-kilani**

Hayedeh Azimoghli Oskooi^۱, Hojjat Rasouli^۲, Seyyed Ebrahim Arman^۳

Abstract

Regional literature as one of the main subcategories in fictional literature has resulted in social and political mobilization in most communities. Ahmad Mahmood and Najib Al-Kilani, two distinguished contemporary Persian and Arabic authors, are both committed to society, relying on the vernacular culture and genre of literary fiction, discussing social problems and evoking practical solutions from public opinions to understand these issues better. *Stormy spring* is one of Najib Kilani's works respecting a village that moves along with hope and suffering caused by contemporary historical mobilization of Egypt in the late twentieth century. Ahmad Mahmood's *A pilgrim in the Rain* reflects the conditions in the southern regions and skillfully outlines social problems in various scenes in the story using his critical outlook. This research investigates and evaluates the regional elements applying a descriptive approach to the areas of the study, as well as a qualitative-comparative method. First, the fundamental sources in relation to geographical and local areas were extracted from Ahmad Mahmood and Najib Kilani's works and were subsequently surveyed considering social outcomes. The importance of delving into this subject will be known when many social and cultural problems of Islamic societies will also be solved understanding the influence of local and regional identity. The findings of this study are required for gaining access to effective local and regional elements in order to achieve sustainable development.

Key Words: Regional Literature, Ahmad Mahmood, A Pilgrim in the Rain, Najib al-Kilani, Stormy spring

^۱- PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: ha.zm^{۱۳۹۷۷۷}@gmail.com

^۲- Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: h-rasouli@sbu.ac.ir

^۳- Associate Professor of Arabic Language and Literature Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: ebrahim.arman@kiaui.ac.ir

References

- ۱- Ibn Khaldun, Abd ar-Raḥmān ibn Muḥammad. (۱۹۷۱). History of Ibn Khaldun: Books of Lessons, Record of Beginnings and Events in their History of the Arabs and Berbers and their Powerful Contemporaries, Vol. ۱. Beirut, Lebanon, Arab Heredity Publication.
- ۲- Behnam, Jamshid. (۱۹۷۳), Family and Kinship Structures in Iran, Second Edition, Tehran, Kharazmi.
- ۳- Halmi al-qaeood, Mohammad. (۱۹۹۴), Islamic Realism in the Novels of Najib Al-kilani, Riyadh, Saudi Arabia, World Association of Islamic Literature.
- ۴- Shiri, Ghahreman. (۲۰۰۸), Storytelling Schools in Iran, First Edition, Tehran, Cheshmeh Publication
- ۵- Al Arini, Abdullah Ibn Saleh. (۲۰۰۵), Islamic Literature in Short Stories of Najib Al- kilani, Saudi Arabia, Dār Kanuz Ashbelia .
- ۶- Gharebaghyan, Morteza. (۱۹۹۷), Economics Growth and Development, Vol. ۱. First Edition, Tehran, Nashr-e Ney Publication.
- ۷- Kadivar, Jamileh. (۲۰۱۵), Egypt from another Perspective, Tehran, Omid-e Iranian Publication .
- ۸- Al-kilani, Najib. (۲۰۱۵), Al-rabie al-Assef, Cairo, Egypt, Dār al-sahva .
- ۹- Grey, Martin. (۲۰۰۳), Dictionary of Literary Terms, Translated by Mansoureh Sharifzadeh, First Edition. Tehran, Iran, Institute of Humanities and Cultural Studies Publication.
- ۱۰- Mahmoud, Ahmad. (۲۰۰۶), A pilgrim Under the Rain, Seventh Edition. Moein Publication, Tehran.
- ۱۱- Hantington, Samuel. (۲۰۱۳), Political Order in Changing Societies, Translated by Mohsen Salasi, Fifth Edition. Tehran, Elm Publication.
- ۱۲- M.H, Abrams. (۲۰۰۹), A Glossary of Literary Terms, Ninth Edition, Boston: Michael Rosenberg.
- ۱۳- Chris, Baldick. (۱۹۹۰), The concise oxford Dictionary of literary trans, First Edition, Oxford university.

Articles

۱۴- Albaji, Yousef, et al. (۲۰۰۳). Economical Report of Khuzestan Province ۱۳۹۲, Economic Affairs and Finance Organization of Khuzestan Province, winter ۱۳۹۳, p.۹.

۱۵- Mohamadyan, Mehrdad, Abbasi, Kazem. (۲۰۰۶), Investigating Drug-related Crimes and Prioritizing Factors Affecting Them, Islamic Azad University of Khalkhal, Social, Sciences Quarterly, Year ۳, No ۱۱, winter ۱۳۸۵, p. ۱۸۰.

فصل نامه جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۱۴۰۱

تطبیق و بررسی ویژگی‌های اقلیمی و روستایی در رمان‌های «زائری زیر باران»

اثر احمد محمود و «الربیع العاصف» اثر نجیب الکیلانی

هایده عظیم اوغلی اسکوتی^۱؛ حجت رسولی^۲ (نویسنده مسئول)؛ سید ابراهیم آرمن^۳

صص (۲۰۱-۱۸۰)

چکیده

ادبیات اقلیمی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم ادبیات داستانی، در تحولات اجتماعی و سیاسی، در اکثر جوامع تأثیرگذار بوده است. احمد محمود و نجیب الکیلانی، دو نویسنده بزرگ معاصر فارسی و عربی، از جمله نویسندگان متعهد هستند که با اتکا به فرهنگ بومی و در قالب داستان، مشکلات جامعه را مطرح و اذهان را برای چاره جویی و درک آنها فرامی‌خوانند. داستان «الربیع العاصف»، اثر نجیب الکیلانی، در مورد روستایی است که با امید و رنج در امتداد تحولات تاریخی معاصر مصر در اواخر قرن بیستم واقع شده است. داستان «زائری زیر باران»، اثر احمد محمود، نیز انعکاس اوضاع اقلیم جنوب است و مصائب مردم را با چیره دستی در صحنه‌های نمایشی داستان از منظر نویسنده‌ی نقاد به تصویر کشیده است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی از محدوده‌ی مورد مطالعه و با استفاده از روش کیفی - تطبیقی به بررسی و ارزیابی عناصر اقلیمی پرداخته است. ابتدا منابع اولیه‌ی مرتبط با حیطه‌های جغرافیایی و محلی در آثار احمد محمود و نجیب کیلانی استخراج شده و سپس در ارتباط با پیامدهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته اند. اهمیت بررسی این موضوع زمانی آشکار می‌شود که در صورت شناخت تأثیر هویت بومی و محلی، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی نیز حل خواهد شد. نتایج حاصل از این پژوهش برای دستیابی به عناصر اقلیمی تأثیرگذار و همچنین اهداف توسعه‌ی پایدار لازم و ضروری است.

کلید واژه‌ها: ادبیات اقلیمی، احمد محمود، زائری زیر باران، نجیب الکیلانی، الربیع العاصف

۱- دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ha.zmv.229777@gmail.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران. h-rasouli@sbu.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. ebrahim.arman@kiaiu.ir

۱- مقدمه

مکان جغرافیایی و اقلیم به عنوان یکی از عوامل اساسی در ایجاد تمایزهای سبکی و تفاوت در تکنیک‌های هنری و پدید آمدن حساسیت‌های خاص در جهان‌بینی‌ها، موجب تفاوت در خاستگاه‌های اقلیم نویسندگان به شمار می‌رود. از جمله نویسندگان فعال مکتب جنوب احمد محمود است که در داستان‌نویسی معاصر ایران نقش مهمی داشته است. او در رمان «زائری زیر باران» به طرح مشکلات بومی منطقه و تأثیر آن در اقتصاد مردم و تحقق عدالت اجتماعی به شکل عینی و ملموس پرداخته است. همچنین نجیب کیلانی از جمله نویسندگان پیشتاز ادب اسلامی در زبان عربی است و شاخصه‌های بومی و فرهنگی غالباً در داستان‌های او دیده می‌شود. رمان «الربیع العاصف» توصیف واقعیت جامعه تقابل مدرنیته و سنت، باورهای روستائیان، تحولات اجتماعی و سیاسی همه این رویدادها کافی بود تا بتواند افکار خود را در قالب رمان قرار دهد. کیلانی با دیدگاهی فراتر از مرزهای اقلیم خود، مسائل بومی و مشکلات اقتصادی را در قالب داستان به تصویر درآورد و لزوم بازگشت به سنت‌ها، توجه به اصالت‌ها را از مؤلفه‌های رمان‌های خود قرار داد. او هنرمندانه در داستان خود روستا را نمادی از تحولات سیاسی و اجتماعی امروز جهان عرب یا کل جهان اسلام به نمایش درآورد.

با گذشت دو دهه از وفات او نه تنها این تحول اجتماعی به عنوان «بهار عربی» سرزمین مصر را تحت الشعاع خود قرارداد بلکه دیگر کشورهای عربی هم تأثیرگذار بوده است. نویسنده و ادیب معاصر معروف عرب «حلمی محمد القاعد» در بارهٔ روایت نجیب کیلانی معتقد است: «با وجودی که بیشتر روایات نجیب کیلانی در روستایی ساده و دور افتاده اتفاق می‌افتد، از حضور قوی در تکلم، طرز تفکر و تصویری از شخصیت‌های روایت‌های او که با آن روبه‌رو هستند، به نمایش می‌گذارد. این حضور قدرتمند نشانگر دیگری برای روستا خبر می‌دهد، از کل ملت با دغدغه‌ها، مبارزات و آرزومندی‌ها، به عنوان یک سمبل عمومی تبدیل می‌شود. (القاعد، ۱۹۹۴: ۲۸)

احمد محمود و نجیب کیلانی با تصاویر واقع‌گرایانه از منطقهٔ جغرافیایی و محلی در رمان‌های خود به گونه‌ای رئالیستی در قالب داستان به صحنهٔ نمایش درآوردند. با توجه به فرهنگ بومی منطقهٔ خود فرایند رشد و توسعه را مهم و اساسی به شما می‌آوردند. این موضوع ارزش یک پژوهش عمیق را دارد که به کلیات، ایده‌ها و خلاصه‌ها، و شخصیت‌هایی که دو نویسنده از طریق داستان‌های‌شان با مهارت ذاتی آفریدند، به بررسی و بازنگری مشکلات مردم برای رسیدن به راه حل مؤثر پرداخته است.

۱-۱- اهمیت و بیان مسأله تحقیق

در رمان «الربیع العاصف» نجیب کیلانی با نگرش اوضاع اقلیمی و اجتماعی به ترسیم تقابل تمدن شهری و روستایی بین مظاهر مدرنیته و سنت پرداخته است. همچنین احمد محمود در رمان «زائری زیر باران» به مشکلات بومی منطقه خود پرداخت؛ با مردم هم‌دردی نمود و تراژدی مشخصه‌های بارز آنان را به تصویر کشید. این تحقیق از چند نظر جدید و دارای اهمیت است. ابتدا به شناخت تأثیر عناصر اقلیمی و بومی در آثار این دو نویسنده تأثیرگذار در ادبیات داستانی پرداخته است. از سوی دیگر جلوگیری از چالش‌های قومی و مذهبی که امروزه در جوامع اسلامی دیده می‌شود، ضرورت شناخت ویژگی‌های اقلیمی و بومی را نمایان می‌نماید. این پژوهش برای شناخت مضامین اقلیمی و روستایی در رشد و توسعه پایدار از ویژگی‌های ضرورت این تحقیق می‌باشد. در واکاوی از آثار احمد محمود و نجیب کیلانی پرسش‌هایی که در این پژوهش بوجود آمده، و در پی پاسخ دادن به آن‌ها بوده به صورت خلاصه شامل این موارد می‌باشد:

- ۱- مضامین مرتبط با عناصر اقلیمی و روستایی در رمان‌های «زائری زیر باران» اثر احمد محمود و «الربیع العاصف» اثر نجیب کیلانی چیست؟
- ۲- شیوه تأثیرگذاری شاخصه‌ها و عناصر اقلیمی بر داستان‌های احمد محمود و نجیب کیلانی چگونه بوده است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

آثار منتشر شده در باره رمان «الربیع العاصف» از حوزه بررسی اجمالی آثار نویسندگان یا ادبیات تطبیقی با یک اثر نویسنده در جنبه‌های دیگر فراتر نمی‌رود. پیشینه‌هایی همچون: «بررسی عناصر داستان در دو رمان الربیع العاصف و عذرا جاکارتا» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۱، از فرناز حیدریان که به شخصیت‌پردازی و مقایسه دو رمان با رعایت روابط علت و معلولی پرداخته است. بر مبنای این تحقیق، عوامل اقلیمی در داستان کیلانی متفاوت است.

مقاله «شخصیة المرأة فی الروایة الربیع العاصف لنجیب کیلانی» که به بررسی شخصیت‌های زن در داستان «الربیع العاصف» از امام حلمی (دانشگاه اسلامی مالک ابراهیم نیجریه) در سال ۲۰۱۶م. پرداخته است، با هدف این پژوهش متفاوت است. پیشینه‌هایی

در ارتباط با رمان «الربیع العاصف» اثر نجیب کیلانی نیز از حوزه بررسی در جنبه های دیگر فراتر نمی رود؛ مانند مقاله «تبیین عناصر ادبیات روستایی در نفرین زمین و الربیع العاصف» که به سال ۱۳۹۴ در مجله لسان مبین چاپ شده است. این مقاله به بررسی عناصر داستانی نفرین زمین اثر جلال آل احمد با داستان الربیع العاصف که با پژوهش «زائری زیر باران» احمد محمود بسیار متفاوت است و با بحث حاضر ارتباط مستقیم ندارد.

کتاب «نحوادب اسلامی معاصر، دراسات فی القصه الإسلامیة المعاصرة» مع عرض و دراسة لعدد من قصص نجیب الکیلانی» به قلم محمد حسن بریغش،- ادیب و منتقد شناخته شده و معاصر عرب که از سوی انتشارات مؤسسه اهرام مصر در سال ۱۹۹۴م منتشر شده است؛ این کتاب در مورد بررسی مشخصات و اسلوب کلی داستان و نمایش نامه نویسی اسلامی است. این ادیب به داستان ها و روایات معاصر از جمله نجیب کیلانی به عنوان پیشگام در ارتباط با داستان و نمایش نامه نویسی اسلامی پرداخته است.

کتاب «الإتجاه الإسلامی فی أعمال نجیب الکیلانی القصصیة»، از عبدالله بن صالح العرینی، عضو رابطة الأدب الإسلامیة العالمیة که در سال ۱۴۰۹ق از سوی مؤسسه دارالکنوز اشبیلیا- الریاض منتشر شده است؛ نویسنده در همان مقدمه کتاب خود بیان می نماید: «روزی که داستان «عمالقہ الشمال» از نجیب کیلانی را خواندم، دریافتم حلقه گم شده در داستان نویسی اسلامی در حیطه اوست. وی از داستان هایش هدفی دارد.» (العرینی، ۲۰۰۵: ۵)

این ادیب به داستان های تاریخی وی پرداخته است. پس از آن به دیوان های شعری و کاربرد عناصر ارتباطی در جوامع اسلامی در باره رمان ها و نمایش نامه های کیلانی اشاره نموده است. تفاوت این پژوهش با پیشینه های دیگر آن است که استخراج عناصر اقلیمی و روستایی کتاب «الربیع العاصف» اثر نجیب کیلانی از یک سوی و تشریح و تطبیق با رمان «زائری زیر باران» اثر احمد محمود از سوی دیگر بررسی نشده است. بنابراین ویژگی های داستانی این دو نویسنده صاحب سبک و پیش تاز در ادبیات داستانی معاصر ایران و مصر (احمد محمود و نجیب کیلانی) از نظر ادبیات اقلیمی و بومی با نگرش جدید در این پژوهش بررسی می شود.

۱-۳- روش کار

در تدوین این مقاله از روش توصیفی و کیفی برای تبیین و تحلیل موضوع این پژوهش استفاده شده است. ابتدا از منابع کتابخانه ای در جمع آوری اطلاعات مورد نظر استفاده شده و سپس به مقایسه و بررسی تطبیقی آن ها با یکدیگر پرداخته شده است. از

این‌رو آن دسته از مطالب مرتبط با جلوه‌های اقلیمی که بیشتر نمودار داشت، در آثار دو نویسنده مطالعه، یادداشت برداری و سپس به طبقه بندی، بررسی و ارزیابی یافته‌ها پرداخته شده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- ویژگی‌های ادبیات اقلیمی

در زبان لاتین معمولاً به داستان‌هایی که رنگ اقلیمی و بومی دارند، به نام (Novel Regional) خوانده می‌شوند. به نظر مارتین گری، رمان محلی، رمانی است که: «تأکیدش بیشتر بر جغرافیا، آداب و رسوم و گفتار محلّ خاصی است و در باره آن محل، بیشتر توضیح جدی می‌دهد تا اطلاعات پیش زمینه‌ای صرف.» (گری، ۱۳۸۲: ۲۷۲). البته می‌توان ادبیات اقلیمی را از لحاظ هویت جغرافیایی به دو شاخه تقسیم کرد: شاخه فیزیکی که شامل آب و هوا و گیاهان و نوع خاک و پستی و بلندی هر منطقه می‌شود و دیگری شاخه انسانی که شامل مسائل فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم است. (Abrams, ۲۰۰۹: ۱۰۷)

بنا براین، داستان اقلیمی را می‌توان چنین تعبیر کرد: « صحنه و زمینه‌های داستانی که در آن غالباً آداب و رسوم و سنت‌ها، فولکور، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها، و حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شود به گونه‌ای که این عناصر، متمایز و مشخص کننده یک اقلیم خاص می‌باشند.» (Baldick, ۱۹۹۰: ۱۴۲)

تأثیر محیط و آب و هوا بر روحیه و اخلاق مردمان و حتی پیدایش و پیشرفت دانش‌ها و هنرها، بیش و کم پذیرفتنی و ثابت شده است.

ابن خلدون در قرن هشتم هجری پیشتر از همه محققان و نظریه پردازان غربی سده‌های اخیر به این موضوع پرداخته است. او بر آن است که آب و هوا و محیط اقلیمی نه تنها بر ظاهر افراد و اخلاق و عادات مردمان تأثیر می‌نهد، بلکه در پدید آمدن و پیشرفت علوم، تمدن‌ها، معماری و هنر نیز مؤثر است. (ابن خلدون، ۱۳۹۱ق: ۱، ۸۳-۸۲) البته این سخن به معنی نادیده گرفتن ذوق و استعداد فردی نیست بلکه بیشتر مؤید تعامل آن دو با یکدیگر است. داستان اقلیمی غالباً بازتاب دهنده ویژگی‌ها و عناصری مشترک، چون باورها و آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی هستند و در تکوین سبک نویسنده علاوه بر تصوّر‌ها و انگیزش‌های فردی و درونی از محرک‌ها بسیاری مرتبط با محیط اجتماعی و محیط جغرافیایی همواره اثر گذار بوده است.

نجیب کیلانی و احمد محمود با توجه به مشکلات بومی، اقتصادی و اجتماعی صحنه‌های نمایش از داستان‌های خود را به تصویر کشیدند که بازتاب آن در آینده سرزمین خود تأثیر گذار بوده است. در این مقاله پس از معرفی اجمالی دو داستان به منظور شناخت و بررسی مضامین عناصر اقلیمی و بومی در آثار این دو نویسنده پرداخته شده و استفاده از نام و نمای مناطق در پس زمینه و مکان وقوع ماجراهاست که در جریان داستان می‌توان به طور ملموسی دید. بنابراین «می‌توان عامل‌های اثرگذار ادبیات اقلیمی را در این موارد اشاره نمود: ۱- خانواده ۲- مکان‌های محلی و موقعیت جغرافیایی ۳- اعتقادات و آداب و رسوم ۴- خرافات ۵- وضعیت اقتصادی ۶- توصیف پوشش ۷- تحولات سیاسی و اجتماعی ۸- اعتیاد و قاچاق ۹- بیکاری و مهاجرت» (شیری ۱۳۸۷، ۱۷-۱۴).

۲-۲ - مروری بر رمان‌های «زائری زیر باران» اثر احمد محمود و «الربیع العاصف» اثر نجیب کیلانی

داستان مجموعه «زائری زیر باران»، مانند دیگر آثار احمد محمود درگستره اقلیم جنوب ایران می‌گذرد و زندگی مردم ساده و رنج‌دیده را به تصویر می‌کشد، مضامینی از دردها و رنج‌های افرادی همچون: کارگران، کشاورزان، بیکاران، مسکینان شهر و روستا در یک سو و داستان قاچاقچیان و مجرمین از سوی دیگر است. شرایط سخت اجتماعی آنان را به تخلف و جرم واداشته است.

این مجموعه داستانی، در عین سادگی بیان و محتوا، ترسیم‌کننده خطوط اصلی و سبک نویسنده در گستره داستان رئالیستی و انتقادی ساخته و پرداخته شده است. داستان «الربیع العاصف» تصویر روستایی در مصر در دوره‌ای بعد از جنگ جهانی دوم در سیاست و اجتماع مصر است. رمان با سفر زن جوانی برای کار پرستاری به روستا شروع می‌شود. در خلال داستان به توصیف نگرش و احساسات او با روستائیان می‌پردازد. رمان «الربیع العاصف» (بهار طوفانی) همان‌طور که از نام آن مشخص است از فصل بهار انتظار اعتدال و آرامش است حوادث داستان پیامد صحنه‌هایی پیچیده آن چنان طوفانی در پی دارد، از درگیری روستائیان با وجود سادگی و بی‌آلایشی با مدرنیزه شدن و تحولاتی که بین شهر و روستا بوجود می‌آید. در رمان‌های دو نویسنده با نگرش نقادانه به تقابل بین مظاهر تمدن شهری و سنت گرایی جامعه روستایی بدون برنامه‌ریزی صحیح برای بیان واقعیت‌های جامعه در قالب داستان اشاره شده است.

۳- عوامل تأثیرگذار اقلیمی و بومی در داستان «زائری زیر باران» و «الربیع العاصف»

۳-۱- خانواده

خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در پیشرفت و توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند یکی از این ارکان، نهاد خانواده، علاقه و عاطفه است. در جوامع اسلامی میان اعضای خانواده، معنویت و توجه به آیین‌های دینی و معنوی برقرار است. اما در غرب به لحاظ صنعتی و نظم خشک ارتباط معنوی و عاطفی در بین اعضای خانواده کمتر است. همانطور که در مورد اهمیت خانواده گفته شد، در داستان «زیر آفتاب داغ» از مجموعه رمان «زائری زیر باران» احمد محمود شخصیت اصلی «نصرو» جوانی از اهالی کپرنشین ساحل کارون نشان داده، که از ماهیگیری ارتزاق می‌کرد. او برای تأمین معاش خود و مادر پیرش مجبور بود با وسائل ساده روی قایق کوچک خود صیادی کند، که در این راه طعمه کوسه شد. (محمود، ۱۳۸۵: ۱۲۲). نویسنده با روایت خود تأثیر میزان برخورداری از محبت و توجه به اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد در حمایت اجتماعی را به نمایش درآورده است.

داستان «الربیع العاصف» روایت زن جوانی به نام «منال» (قهرمان داستان) برای تعهد کاری می‌بایست مدتی در روستا مشغول به کار شود؛ در حرکت به سمت روستا، دلتنگ شهر قاهره، محل زندگی خود بود. نویسنده ابتدای داستان به توصیف و کشمکش فکری او پرداخته است. (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۴) اختلاف شیوه زندگی محیط مدرنیسم و سنت‌گرایی در رمان را می‌توان متأثر از این تفکر دانست: «در جریان شهرنشینی مشاهده می‌کنیم افرادی که دارای حدی از درآمد هستند در مناطق خاص و محلات مخصوص خانه بر می‌گزینند. این وضعیت با وضع قدیم که غنی و فقیر در یک محله بوده‌اند، متفاوت است. در گذشته تقریباً بیشتر افراد شبکه خویشاوندی از لحاظ درآمد در یک سطح بودند ولی اکنون به خاطر مشاغل مختلفی که دارند و بر اساس تحصیلات خود دارای درآمدهای مختلفی هستند و به همین جهت در محلات گوناگون زندگی می‌کنند. (بهنام، ۱۳۵۲: ۸۶-۸۷). طبیعت کارکشاورزی، محدودیت زمان کشت و برداشت و تراکم کار در هم‌کاری گروهی احساس می‌شد. بنه‌های خویشاوندی باعث اهمیت شبکه‌هایی در امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیز آشکار است.

در داستان «عبدالمعطی» یکی از شخصیت‌های داستان در خانه پدری با برادران و خانواده آنان زندگی می‌کرد؛ و به کار کشاورزی مشغول بودند (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۴).

نویسنده با توجه به بافت سنتی و بومی در روستا به دلیل جوامع کشاورزی و دامپروری، به خانواده گسترده که الگوی معمول خانواده های بومی و روستایی بوده اشاره نموده است. به این ترتیب ممکن است چند نسل زیر یک سقف و در یک خانه مشترک زندگی کنند.

۳-۲- مکان های محلی و موقعیت جغرافیایی

علاقه احمد محمود برای به تصویر کشیدن جغرافیای جنوب و مکان های محلی نیز در داستان «زائری زیر باران» دیده می شود. در داستان «دلتنگی» در مورد بازار «مسامح» یکی از بازارهای بومی و منطقه ای چنین توصیف نمود: «بازار مسامح گرم بود، و هوا دم داشت. رطوبت نفس را سنگین می کرد. انگار خاک بیخته ریخته بودند. کف بازار مسامح و خانه ها یک در میان بود و تو خالی با دیوارهای فرو ریخته، درها مثبت کاری بود و موربانه خورده و قفل های زنگ خورده و چفت های آویزان بودند...» (محمود، ۱۳۸۵: ۱۹۵). چشم انداز قریه «عربان» در کنار نهر زلال «پودنه» که به رنگ قصیل تیره و تو درهم و دورتر، زمین های گسترده زراعتی و شالیزارهای درمزرعه «شاپورآباد» خوشه های گندم به طور انبوه دشت را زینت بخشیده است.

در داستان «الربیع العاصف» اسامی بسیاری از مکان های بومی که جریان حوادث داستان و زندگی شخصیت ها در آن محل دیده می شد؛ نویسنده به آن ها اشاره نموده است. در داستان شخصیت اصلی منال وقتی به سمت روستا در سفر بود به منطقه «شرشابه» اشاره می نماید: «در امتداد راه مزرعه بین دو روستای سنباط و شرشابه کالسکه با سرعت در حرکت بود. از روستاهای کفرحسین و بعد از کفرالسهمه گذشت تا به قریه شرشابه رسید.» در توصیف قریه شرشابه اشاره می نماید: «اینها قریه کبیره، عدد سکانها یقرب من خمسۀ عشر ألف نسمه» (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳): قریه «شرشابه» روستای بزرگ است، نزدیک به پانزده هزار نفر در آن ساکن هستند که از «طنطا» دور نیست. در سمت راست روستای «کفر حسین» برکه وسیعی امتداد یافته بود. در راه درختان افاقیا به نظر می رسد که زیر سایه آن دامها تغذیه می کنند. منال در منطقه «السیده زینب» در قاهره دوره پرستاری را آموخت و فارغ التحصیل شد. ترسیم توصیفات واقعی از فضای جامعه روستایی بخوبی اساس هر داستان و روایتی در ارتباط با اتفاقات رمان است و این ارتباط معقول و طبیعی است که در قصه از ابتدا تا انتها وجود داشته است. رموز پنهان و آشکار موجب جریان حرکت در رمان می شود. شرایط اقلیمی و فرهنگ بومی جامعه ای که نویسنده در آن زندگی می کند در داستان های او دیده می شود. حوادث داستان مربوط به روستای «شرشابه» از

شهر «طنطا» می‌باشد که با نام قریه‌ای که نویسنده در آنجا دنیا آمده و بزرگ شده، توصیف نشانه‌های مألوف داستان از خانه‌ها، خیابان‌ها و درختان، مسجدها، مزارع... متأثر از حیات کودکی و نوجوانی وی است.

۳-۳- اعتقادات و آداب و رسوم

احمد محمود با تیزبینی به بخش‌هایی از زندگی ساحل نشینان در کپر می‌پردازد و درج تمام جزئیات در آداب و رسوم آنان به خوبی در ذهن خواننده به نمایش می‌گذارد. عقاید و آدابی که در هر منطقه‌ای متناسب با اقلیم، شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص حاکم بر آن رواج پیدا می‌کنند. محمود نیز به توصیف عقاید عامیانه مردم که از گذشتگان خود به ارث برده و ریشه تاریخی دارد در آثار خود پرداخته است. شخصیت اصلی داستان وقتی در حال قدم زدن کنار ساحل کارون بود، در تاریکی خیابان به عهد خود فکر می‌کرد، صدای مؤذن که اندوهناک از گلدسته بلند مسجد اصفهانی‌ها بر می‌خاست در ساحل گرم و شرجی همراه هوای سنگین بالای شهر شنیده می‌شد. (محمود، ۱۳۸۵: ۱۰۷)

یکی از رسوم اعراب خواندن شعر در مناسبت‌های اجتماعی و سیاسی از دیرباز رسانه-ای اثرگذار در افکار عمومی بوده و همواره از استقبال مخاطبان بهره می‌بردند. در جهان عرب، به ویژه در مصر توجه و علاقه به شعر و ادبیات رو به افزایش است. در داستان هنگام بازگشایی بیمارستان «عبدالمعطی» قصیده طولانی را به سبک قصائد عنتر بن شداد و ابی زید الهلالی که مطلع آن چنین است، می‌خواند: «شَرَفْتُمُونَا وَ حَلَّ الْأَنْسُ سَاحَتَنَا وَالْبِشْرُ يَخْتَالُ تِيهَا بِوَادِينَا. وَ نَالَ شَرِشَابَةُ السَّمْحَاءِ مَفْخَرَةً كَانَتْ لِأَهْلِ التَّقَى عِزًّا وَ تَمَكِينًا.» (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۷). شما ما را ارج نهادید و بشریت در عرصه ما مستقر شده است. انسان‌ها در وادی‌های ما سرگردان هستند. روستای شرشابه بزرگ موجب افتخار مردم و خدا پسند، باعزت و تواناست.

عقاید و آدابی که در هر منطقه‌ای متناسب با اقلیم، شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص حاکم بر آن رواج پیدا می‌کنند. محمود نیز به توصیف عقاید عامیانه مردم که از گذشتگان خود به ارث برده و ریشه تاریخی دارد در آثار خود پرداخته است. در «زائری زیر باران» محمود برای آثاری که بتوان آن‌ها را نوعی از هنر اقلیمی بر شمرد، باید از جامعه و تمدنی سخن می‌گفت که نه تنها مراسم مذهبی و مساجد و عبادتگاه‌هایش، بلکه همه ابعاد

زندگی اش، از سیاست تا اقتصاد، از فرهنگ تا صنعت از اصولی پیروی می کنند که از وحی و امر مقدس ناشی شده اند.

نجیب کیلانی در کشور مصر به رشد و تعالی رسید. سرزمین مصر در میان بلاد اسلامی از نظر داشتن مراکز علمی و دانشگاهی جایگاه مهمی دارد. بیشتر مراکز علمی و فرهنگی در قاهره و شهرهای نزدیک آن واقع شده اند. این مراکز مهم شامل: دانشگاه الأزهر، دانشگاه قاهره و دانشگاه «عین الشمس» است. امروزه دانشگاه قاهره بزرگترین دانشگاه مصر به حساب می آید. در جریان داستان «منال» وقتی از روستا برای دیدار مادرش به قاهره بازگشت، در راه به یاد مسجد «السیده زینب» می افتد فضای وسیعی که مملو از زیارت کنندگان و عاشقان اهل بیت هستند؛ در حالی که به تکبیر و یکتاپرستی می پردازند؛ آوازهای صوفیانی است که حسرت و شوق در قلب هایشان ذوب می شود.» (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۹۲)

«مردم در طی سالیان دراز اعتقاد دارند دعای آنان درکنار مرقد سیده نفیسه مستجاب می شود. مرقد سیده زینب از دیگر قبور متبرکه است. مطابق برخی از گزارش های تاریخی، زینب(س) بانوی کربلا به مصر رفت و براساس برخی دیگر به شام. به هر حال مرقدی که در حال حاضر در مصر قرار دارد، از اماکن مقدسی است که مردم مصر به آن احترام زیادی قائل اند و به زیارت آن می شتابند.» (کدیور، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۶)

نماز: مردم مصر نماز را معمولا به صورت جمعی در مساجد برگزار می کنند. در داستان «الربیع العاصف» کیلانی به آن اشاره کرده است: روستا در خواب نیست، صدای مؤذن سپیده دم برای نماز بلند است. درحالی که مردی از خیابان می گذرد، مردم را برای نماز بیدار می کند و می گوید: "قوموا اذکروا الله الصلاة یا مؤمنین الصلاة!" ای مؤمنان برخیزید، حق تعالی و نماز را یادآور شوید. (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۶۰) در نماز جمعه در بالای منبر شیخ روستا درحالی که برای نمازگزاران سخنرانی می کرد، از مردم می خواست تقوای خدا داشته باشند. مردم از خداوند شفاعت می خواهند و سرشان را با حسرت تکان می دادند، محصولات کشاورزان به جهت آفت خسارت فراوانی متحمل شدند. روستاییان در مسجد نماز استغاثه توسط شیخ روستا خواندند، هزاران نفر پشت پیشوای روستا با قلب های پریشان ترس از سرنوشت دست به دعا شدند (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۴۱).

۳-۴- خرافات

برخی از باورهای مردم در هر جامعه ای به طور غیرمنطقی و علمی است و این موضوع منحصر به آیین خاصی نیست. یکی از موضوعات مرتبط با آن رواج عقاید اشتباه و

خرافات در میان مردم به ویژه در مواجهه با حوادث و بیماری‌ها و... مطرح می‌شود. همچنین در داستان «الربیع العاصف» بعد از مصائب و بلاهایی که در روستا اتفاق افتاد مردم معتقد بودند: ارواح شیطانی به روستا وارد شده و دشمنی بین آنان را به وجود آورده است. «منال» را یکی از ارواح شریر می‌دانستند. او وقتی صحبت‌های پیرامون خود را می‌شنید بسیار ناراحت می‌شد. او از دکتر روستا پرسید: «گناه من چیست؟ آیا من موجب آتش سوزی و زندانی شدن «حاج علی» و «حامد ملیجی» و آفات گیاهان مزارع بودم. پزشک به او گفت: در آن موضوع گناه تو نبوده آنان از طریق بلایای پی در پی مورد تهدید قرار گرفتند، روستائیان چشم خود را بر آن بسته‌اند.» (همان: ۱۵۰-۱۵۳)

تقدیرگرایی از مسائل دیرینه‌ای است که در تمام تمدن‌ها به صورت یک پرسش مطرح بوده است. پیش داوری‌های خرافی، سخت‌ترین کار در جهان است. همراه روان بسیاری از مردم در هم می‌پیچند که برای رهایی از آن‌ها به نیروی قوی‌تری نیاز داریم. در داستان «زائری زیر باران» بخش «مصیبت کبک‌ها» تصویر خانواده‌ای که بیکاری مرد، روی افراد خانواده تأثیر گذاشته است. مرد و خانواده‌اش، درمانده از درک علت این تغییر و تأثیرات آن در زندگی در اوج ترس و تشویش، تنها کبک‌ها را بدیمن و مسئول مصیبت می‌دانند. در نتیجه، در اقدامی شتاب‌زده کبک‌ها نابود می‌شوند یا در قسمت دیگر داستان «سایه سپیدارها» درون مایه آن اختلاف زندگی شهر و روستا نسبت به شناخت واقعیت است. سه جوانی که از شهر به روستا آمدند، برای راه انداختن تعاونی‌های تولید و مصرف و فروش، بی‌اعتمادی مردم و نداشتن علم لازم به تعاونی با کارشکنی‌های کدخدا با صاحب کارخانه که محصول دهقانان را سلف‌خوری می‌کردند، به گرفتاری و جهل خود، خو گرفته بودند. بیماری و تلف شدن بعضی از دام‌ها و آتش گرفتن خرمن را به آنان نسبت می‌دادند. (محمود، ۱۳۸۵: ۱۸۸-۱۸۹).

روستاییان چنان به استیصال خویش عادت نموده و گرفتار جهل و خرافات شده بودند که قادر به درک حقیقت نبودند. برای ترس غیرمنطقی از یک چیز ناشناخته و مرموز و خیالی، به خرافه روی آورده بودند. همان‌گونه که نابرابری‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر به‌سزایی می‌گذارد، این نابرابری‌ها به همان صورت در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شود (هانینگتون، ۱۳۹۲: ۸۲). لذا گسترش دانش بشری در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی به کاهش خرافات و توسعه فردی و اجتماعی می‌انجامد.

۳-۵- وضعیت اقتصادی

محور توسعه روستاها به طور سنتی کشاورزی است. وضعیت جامعه روستایی در رشد اقتصادی کشور تأثیرگذار است. در داستان مدتی قبل از طوفان در روستا محصولات بوته‌های پنبه کشاورزان دچار آفات شده بودند. آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی برای نابودی حشرات سود نداشت. محصول پنبه برای مردم طلای سفید نامیده می‌شد؛ برگ‌های محصولات‌شان خشک شدند. چهره کشاورزان غم‌انگیز و برافروخته در فکر بدهی‌ها و اجاره به صاحبان ملک و اجرت کارگران در جمع‌آوری پنبه بودند. روستا مانند مریضی در حال احتضار، فضای غم‌انگیز صدای حزن‌انگیز می‌گفت: «پروردگارت کسی را فراموش نمی‌کند.» (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۴۱-۱۴۲)

در توصیف مواد غذایی روستاییان از محصولات تولید شده در روستا استفاده می‌کردند. هدف کیلانی نشان دادن فقر مناطق روستایی، عدم مدیریت مدرن برای ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستائیان، ایجاد اشتغال و بهره‌وری آنان در مناسبات اقتصادی و اجتماعی بوده است.

در داستان «برخورد» نویسنده به توصیف مزارع گندم پرداخته است. درمورد کشت مکانیزه گندم به جای شیوه کشت سنتی با آوردن ابزار و ماشین‌های کشاورزی توسط مهندس آشنا با این ابزار صنعتی برای آموزش روستاییان اشاره نموده است. سبزه‌های خودرو، خوشه‌های طلایی گندم و انبوه نخل‌ها کنارجاده‌ها، دشت را زینت بخشیده بود. (محمود، ۱۳۸۵: ۱۲۵ و ۱۳۸) همان‌گونه که در داستان اشاره شد، تعداد زیادی از کشاورزان به کاشت گندم، خرما، نیشکر، گیاهان خوراکی و طبی مشغول هستند. تولیدات طبیعی و صنعتی از کشور و نیروی کار بسیاری در این زمینه مشغول به کار هستند.

همان‌طور که می‌دانیم، استان خوزستان قطب کشت گندم مرغوب ایران است؛ برای آب و هوا و اقلیم منطقه کشتزارهای بسیاری از غلات کشور در این منطقه قرار دارند. مرغوبیت خاک و حاصل‌خیزی، یکی از بهترین جلگه‌های ایران است که گاهی به دلیل ویژگی‌های آب و هوایی، می‌توان در سال دو بار محصول را در آن تولید نمود. اگر بهره‌گیری صحیح از این امر صورت پذیرد، به‌زودی خوزستان نه تنها به «طلای سیاه» (نفت) بلکه به «طلای سبز» شهرت خواهد یافت. بی‌شک در کم‌تر استانی از ایران این همه رودخانه و آب‌های پرخروش و مشرف بردشتهای وسیع وجود دارد. استان خوزستان بزرگترین تولیدکننده خرما در سطح کشور و سرمایه‌گذاری بر روی محصول و صنایع تبدیلی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. (الباجی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹).

بخش دامداری در تأمین امنیت غذایی انسان نقش مهمی در اشتغال و تولید و به تبع آن درآمد و رفاه خانوارهای روستایی ایفا می‌کند. بخش‌های کشاورزی و دامپروری در کشورهای درحال توسعه از جمله بخش‌های مهم اقتصاد محسوب می‌شود. (قره باغیان، ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۴۹) ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری در این تغییرات دارد.

درروایت «سایه سپیدارها» نویسنده به پرورش سنتی دام‌های روستاییان اشاره نموده است، به دلیل روش‌های سنتی و سیستم نامناسب دام‌پروری، و شیوع بیماری میان دام‌ها و نبودن دامپزشک کافی، در روستا برای ارائه خدمات بهداشتی برای دامداری از مشکلات اساسی برای روستاییان در داستان مشهود می‌باشد.

۳-۶- توصیف پوشش

پوشش مردم جنوب در توصیفات احمد محمود زمانی بیشتر رنگ بومی به خود می‌گیرد که مردم نیز برخوردار از یک زندگی سنتی باشند، شرایط آب و هوا و گرمایی که در منطقه ساحلی جنوب ایران وجود دارد، باعث شده مردم از نوع به خصوصی از پوشش استفاده کنند، مانند آنچه که در داستان «زائری زیر باران» در مورد پوشش مرد و زن محلی چنین توصیف کرده است: «مرد پیراهن بلند به تن داشت و چپیه‌ای به سر بسته بود. زنان لچک‌های زرد، پیراهن‌های لاجوردی و روبندها به چهره داشتند» (محمود، ۱۳۸۵: ۴۶) پوشش زنان به لچک و روبند همچنین به «بُرَق» و «نقاب» اشاره شده است. «لچک» چارقد یا روسری کوچک مخصوص زنان لر ساکن جنوب است. بُرَق یا نقاب، روبندی که معمولاً زنان استان جنوب کشور برای پوشاندن صورت استفاده می‌کنند. شاید علاوه بر جلوگیری از دید مردان غریبه می‌تواند به دلیل محفوظ ماندن پوست صورت در برابر آفتاب گرم جنوب باشد. پوشش مردان «دشداشه»، لباس بلند و سفید ونخی با چفیه یا دستاری را که مردان به سر می‌بندند برای جلوگیری از گرما توصیف نموده است.

در داستان «الربیع العاصف» وقتی منال به روستا وارد شد؛ در توصیف پوشش او نویسنده چنین بیان داشت: «منال دوشیزه زیبارو درحالی که جلباب حریری بلند پوشیده بود، با جرأت راه می‌رفت. زمانی که همسر «حامد الملیجی» وارد شد، پیام آور را ملاقات کرد؛ از حیا و خجالت می‌لرزید، درحالی که شال ابریشمی قهوه‌ای بلند بر سر داشت، سر و گردن او و نیمه پایین از چهره‌اش را در برمی‌گرفت (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۵).

۳-۷- تحولات سیاسی و اجتماعی

داستان «الرابع العاصف» تصویری از روستایی در مصدر دوره‌ای بعد از جنگ جهانی دوم و مداخله بریتانیا در سیاست مصر است؛ این کشور تحت الحمایه و پایگاه سلطه بریتانیا قرار گرفته بود. در داستان نیز به این مسئله اشاره شده: «عبد المعطی» در مورد جنگ چنین عقیده داشت: «جنگ در این زمان جنگ عقل‌هاست. ای منال: بمب هسته‌ای از مکان دور هم هزاران فرد را هلاک می‌کند و شهرها را ویران می‌کند. هزاران نفر را به خاک می‌اندازد، و میلیون‌ها مرد با توپ و اسلحه دیده می‌شوند، چهره‌اشان یک لحظه بدون سلاح نظامی باز نمی‌ایستد.» (همان: ۸۹).

صحنه سیاسی مصر شاهد چالش جریان‌های غرب‌گرایی، اسلام‌گرایی و ناسیونالیسم مصر در دوره معاصر بوده است. توزیع نابرابر درآمد حاکی از رویه‌رو به رشد غنی و فقیر که منجر به شورش‌هایی در سراسر کشور شد. بُعد اقتصادی در تحولات سیاسی و اجتماعی مصر تأثیر داشته است. رویارویی جنبش‌های اسلام‌گرا در چند دهه اخیر شاهد این مدعا است. شکاف درآمد بین شهر و روستا و محرومیت روستاییان مهاجرت تعداد زیادی از مردم روستاها و تعارض فرهنگی بین سنت و مدرنیته بوده است.

مجموعه «زائری زیر باران» داستانی از لایه‌های انتقادی و اجتماعی در دوره‌های مختلف زمانی را در قالب داستان به نمایش درآورده است. داستان‌های «راهی به سوی آفتاب»، «از دلتنگی»، «ترس»، «بود و نبود» وجه اشتراک چهار داستان گفتگو از فضای زندان و حال و هوای زندانیان از مضامین مورد علاقه احمد محمود بود؛ زیرا به دوران زندانی شدن او بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازمی‌گردد.

داستان‌های کوتاه در «زائری زیر باران» مانند: «مصیبت کبکها»، «انترترياکي»، «زیر باران»، «آسمان کور»، مربوط به ناهنجاری‌ها اجتماعی است. توجه محمود به مسائل اجتماعی و سیاسی و وضع مردم روستا و مشکلات آنان و فقر و محرومیت در طبقات مختلف اجتماع، حاکی از بینشی واقع‌گرایانه است. رفتار ارباب رعیتی و زورگویانه مالک در مقابل ترس و درماندگی کشاورزان که سهم مختصری از محصول امرار معاش می‌کنند، به یکی از نابسامانی‌ها و مظالم اجتماعی، همدردی خواننده با دهقانان را برمی‌انگیزند. در بخش‌هایی مانند «زیر آفتاب داغ»، «برخورد»، «در سایه سپیدارها»، محمود به تحول اجتماعی و عدالت‌جویی و بهتر شدن وضعیت ستم‌دیدگان دل بسته است. این عامل، مسیر او را از نویسندگان تجدد خواه و شبه مدرنیته سرزمین ما متمایز ساخته است. داستان‌های احمد محمود مملوء از مفاهیم بومی، اجتماعی، انسانی است که او را کنار هدایت و آل

احمد و چوبک و دولت‌آبادی می‌شناسند. محمود نه مثل دیگر هم نسلان داستان‌نویس خود، بی‌اعتنا به حوادث جامعه گذر نکرد. او توانست مانند دیگران، در روی داده‌های اجتماع نقاب از سیاست بازی‌های رایج حرف‌های دلش را در قالب داستان درآورد.

۳-۸-اعتیاد و قاچاق

پدیدهٔ مواد مخدر به عنوان یک مشکل ملی برای بسیاری از کشورهای جهان مطرح است. کمتر کشوری را می‌توان یافت که درگیر این معضل نباشد. موجب بروز جرائم مختلف می‌شوند. تمام بخش‌های جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهند. توسعهٔ پایدار انسانی را محدود می‌سازد. در داستان «انتر تریاکی» از مجموعه داستان‌های «زائری زیر باران»، در قالب طنزی تلخ و با تجسم بخشیدن شخصیت انتری به انسان که صاحب پیشین او به دود تریاک معتاد کرده، از شکوه دربارهٔ احساس درد و غم تأثیرات مصرف تریاک در زندگی فرد مبتلا در شکل حیوان اما درون‌مایهٔ آن دارای مصائب انسانی است.

یا در بخش «زیر باران» وصف دلخراش زندگانی کسانی که خون خود را می‌فروشند برای امرار معاش؛ اما برای عادت به قمار و الکل پول خود را از دست می‌دهند. نظر دردمند و انتقادآمیز نویسنده به ناهنجاری‌های اجتماعی است. همچنین در داستان «آسمان کور» قهرمان داستان نیز درگیر الکل و قمار است. و پاسبان محله با رشوه و باج‌گیری در داستان مشغول کار خود است. هر دو شخصیت از ناهنجاری‌های اجتماعی برخوردار هستند. نابسامانی خانوادگی، سرقت، فحشاء، افزایش طلاق، قتل، زدوخورد، ولگردی، ایجاد مزاحمت‌ها از بین رفتن نشاط اجتماعی و... همگی جزء آثار اعتیاد به مواد مخدر محسوب می‌شوند. بنابراین از مواد مخدر و اعتیاد به عنوان بستر سایر آسیب‌های اجتماعی می‌توان یاد کرد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در ارتباط با شناخت علمی ویژگی‌ها و قانون-مندی‌های حاکم بر تحول مسایل در جامعه و به کارگیری یافته‌های علمی در فرآیند برنامه‌ریزی اجتماعی است. همچنین در رابطه با مواد مخدر، شناسایی دقیق آن‌ها، طبقه‌بندی آن، تحت یک مطالعهٔ علمی برای حل این مشکل ضروری به نظر می‌رسد. (محمدیان و عباسی، ۱۳۸۵: ۱۸۰)

در داستان «الربیع العاصف» حامد الملیجی نشان از این گروه دارد. او مردی مکار از تاجران بزرگ مواد مخدر در منطقه بود. در پشت چهرهٔ به ظاهر خوب یک قلب بی‌رحم و خیانت‌کار وجود داشت. در حادثهٔ آتش سوزی خانهٔ حامد الملیجی به هنگام استفاده از

مواد مخدر مظنون بوده است، در پی آن او را دستگیر کردند؛ وی از کارهای گذشته خود توبه نمود؛ پس از مدتی او را آزاد نمودند. نویسنده دلیل مصرف مواد مخدر را چنین توصیف می‌نمود: «إن ذلك مصدر لذة فائقة لا تعادلها أنفاس الحشيش التي تبعث الخدر والنشوة الزائفة في كيانه»: یک منبع لذت چیره است که با کشیدن حشیش به طور نامنظم بی‌حسی و وجد را در وجود او ایجاد می‌کند. (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۵۵).

آنچه مشخص است؛ مصرف مواد مخدر از طرفی باعث تسکین و آرامش موقت و گاهی تحریک و نشاط گذرا برای فرد می‌گردد. باید در نظر داشت، بعد از جنگ جهانی دوم فضایی انفجاری و تصاعدی به سوی اعتیاد در جهان پیش‌رفته است. اگرچه مواد مخدر در مصر راه یافت، اما مصرف آن غیرقانونی می‌باشد و مصرف کنندگان آن سعی می‌کنند تا در فرد معتاد که قادر به حفظ شغل، خانواده، دارایی و پایبندی به اخلاقیات و ارزش‌ها نمی‌باشد، امری ساده نشان دهند. تقویت عوامل اقتصادی و فرهنگی و آموزشی نقش بسزایی در پیشگیری از اعتیاد در جامعه دارد. پدیده مواد مخدر در یک کشور بخش بزرگی از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها را به همراه خود خواهد داشت.

۳-۹- بیکاری و مهاجرت

بحران‌های اقتصادی در هر دوره‌ای تأثیر متقابلی در پدیده‌هایی نظیر بیکاری و مهاجرت دارد. محرومیت و فاصله زندگی شهری و روستایی، عدم آگاهی و بهره‌مندی از آموزش، عدم امکانات بهداشتی و درمانی باعث گردیده که بخش زیادی از مردم جهت برخورداری از رفاه شهری، یافتن کار و درآمد بیشتر و سایر مزایای شهری تصمیم به مهاجرت بگیرند. رشد فناوری نیز به دلیل دیدگاه انسان محوری و بر اساس پیشرفت و آسایش بشر صورت گرفت؛ اما به تدریج خود به یکی از مشکلات و مسائل جدی تبدیل شد. به گونه‌ای که موجب بیکاری کشاورزان و مشکلات زیست محیطی بویژه اکولوژیست شده است. در ادامه داستان «الربیع العاصف» بعد از یادآوری خاطرات منال از شهر قاهره ناگهان مرد جوانی را به بیمارستان روستا آورده بودند؛ که حالش خوب نبود، پدر بیمار از پزشک می‌خواست هر کاری می‌تواند برای نجات او انجام دهد و هزینه‌اش هر مقدار باشد بپردازد، اما مرد جوان بدلیل عدم انتقال به موقع به بیمارستان بخاطر نیافتن آمبولانس برای نجات اولیه فوت شد. روستائیان دلیل اصلی مشکلات روستا را عدم امکانات و محرومیت می‌دانستند. (همان: ۵۷-۵۹)

داستان احمد محمود ترسیم تضاد اجتماعی و توزیع نامساوی عوامل و امکان‌های اقتصادی قرار دارد، موجب بی‌رونقی روستا و مهاجرت روستائیان به شهر شد. انباشت سرمایه در شهرها از یک سو و بهم خوردن نظام زراعتی پیشین و بیکار شدن جوانان روستا از سوی دیگر موجب شده تا آنان را به مهاجرت سوق دهد. مهاجرت روستائیان به شهر در داستان «برخورد» احمد محمود با سرانجام غم انگیز پایان می‌یابد. وقتی روستا از عامل تولید محروم می‌ماند، کشاورزان و کارگران صنعت کوچک در روستا دست از کار می‌کشند و به شهر می‌روند. اما چون تخصصی مناسب ندارند به کارهایی می‌پردازند که مورد علاقه‌شان نیست در نتیجه از محیط پر پیچ و خم شهری به ستوه می‌آیند و در دریای نومیدی و قضا و قدر فرو می‌غلطند. همانطور که محمود لابه‌لای داستان «از دلتنگی» به این موضوع اشاره نمود: «در بازار مساح خانه‌ها یکی در میان خالی شدند. پیرمرد به عدنانی گفت: شبانه همه رفتن قطر، دویی، شارجه..» (محمود، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

می‌توان چنین استنباط نمود، در چهاردهه اخیر وقوع جنگ ایران و عراق، مهاجرت مردم مناطق جنوبی به شهرهای اطراف از یک طرف و افزایش تغییرات اقلیمی و آب و هوای کره زمین، وقوع طوفان‌های گرد و غبار از طرف دیگر، یکی از مهمترین علل مهاجرت نخبگان (نیروی کار متخصص و سرمایه‌داران) از استان خوزستان به استان‌هایی که وضعیت جوی مساعدتری دارند، یا مهاجرت به کشورهای خارج افزایش یافت.

۴- نتیجه‌گیری

احمد محمود و نجیب کیلانی دو نویسنده معاصر ایران و مصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، در آثارشان از تجربه‌های ذاتی و فردی برای ترسیم واقعی از اوضاع جامعه سنتی خویش در قالب داستان استفاده نمودند. هر دو نویسنده به منطقه و فرهنگ سرزمین‌شان وفادار بودند بیان عناصر اقلیمی و مؤلفه‌های بومی در داستان‌هایشان دیده می‌شود. از جمله می‌توان به توصیف طبیعت روستا، هجوم مدرنیته و تکنولوژی، سنت گرایی و تقابل شهر و روستا، عدم برنامه ریزی اقتصادی و افزایش مهاجرت به شهرها را اشاره نمود. این عناصر مشترک بازگشت به سنت، توجه به اصالت‌ها، ویژگی‌های اقلیمی و بومی، فرهنگ و آداب و رسوم، تحولات اجتماعی و سیاسی به وضوح، مشهود است. هر چند بازگشت به سنت و باورها امری مطلوب شمرده شده و باعث مخالفت سنت‌گرایی با ورود

تکنولوژی به روستا شده است، از این رو می توان اشاره نمود که بدون در نظر داشتن زیر بنای اقتصادی موجب بیکاری روستائیان و مهاجرت به شهرها و درگیری آنان شده است. نجیب کیلانی در داستان خود راه علاج فقر و محرومیت کشاورزان و ضعف حکومت در اداره اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که همچون بیماری کشورش را در بر گرفته برای درمان آن ضعفها متأثر بوده است. در داستان احمد محمود به اوضاع جامعه، برای بیان مسائل و مصائب مردم در قالب داستان و ادبیات بومی و روستایی برای بارز نمودن این مشکلات، مناسب یافت. از مهمترین نتایج آن تأثیر تغییرات ارزش های جامعه، تقابل مظاهر تمدن شهری، و به هم زدن آرامش روستا و بحران و کشمکش روستائیان است. نجیب کیلانی و احمد محمود ضمن پرداختن به ادبیات بومی و روستایی که متأثر از محیط زندگی دو نویسنده است، برای انتقاد از واقعیت های جامعه و حکومت مستبدان، سالیان متمادی در زندان تفتیش عقاید و تبعید به سر بردند. پیامدهای آن در لابلای گفت و گوهای شخصیت های داستان مشهود است. امروزه لازمه بهبود و پیشرفت هر اجتماعی در گرو توجه و توسعه مناطق بومی و روستایی است. در همین راستا اهمیت و لزوم شناخت ادبیات اقلیمی بیش از هر زمانی درک و احساس می شود.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، (۱۳۹۱)، تاریخ ابن خلدون: المسمی بکتابه العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی أيام العرب والعجم والبربر ومن عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر، الجزء الاول، لبنان- بیروت داراحیاء التراث العربی.
- ۲- بهنام، جمشید، (۱۳۵۲)، ساخت های خانواده و خویشاوندی در ایران. چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- ۳- حلمی القاعد، محمد، (۱۹۹۴م)، الواقعیة الإسلامیة فی روایات نجیب الکیلانی. الرياض-السعودیة: منشورات رابطة الادب الاسلامی العالمیة.
- ۴- شیری، قهرمان، (۱۳۸۷)، مکتبهای داستان نویسی در ایران. تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- ۵- العرینی، عبدالله بن صالح، (۲۰۰۵م)، الإنجاء الإسلامی فی أعمال الکیلانی القصصیة. الرياض- مملکة العربیة السعودیة: دارکنوزإشبیلیا.
- ۶- قره باغیان، مرتضی، (۱۳۷۶)، اقتصاد رشد و توسعه. ج ۱، چاپ اول، تهران: نشرنی.

- ۷- کدیور، جمیله، (۱۳۹۴)، *مصر از زاویه دیگر*. تهران: نشر امید ایرانیان.
- ۸- الکیلانی، نجیب، (۲۰۱۵م)، *الربیع العاصف*، مصر- القاهرة: دارالصحوة.
- ۹- گری، مارتین، (۱۳۸۲)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه منصوره شریف زاده، تهران- ایران، چاپ اول،
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- محمود، احمد، (۱۳۸۵)، *زائری زیر باران*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات معین.
- ۱۱- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۹۲)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علم.

مقالات

- ۱۲- الباجی، یوسف، و دیگران، (۱۳۹۳). «گزارش اقتصادی استان خوزستان ۱۳۹۲»، تهیه و تنظیم وزارت امور اقتصادی و دارایی استان خوزستان، زمستان ۱۳۹۳، ص ۹.
- ۱۳- محمدیان، مهرداد؛ عباسی، کاظم. (۱۳۸۵). «بررسی جرایم مرتبط با مواد مخدر و اولویت بندی عوامل مؤثر بر آنها»، دانشگاه آزاد خلیخال، علوم اجتماعی سال سوم شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۰.

منابع لاتین

- ۱۴- M.H, Abrams. (۲۰۰۹), *A Glossary of Literary Terms*, Ninth Edition, Boston: Michael Rosenberg.
- ۱۵- Chris, Baldick. (۱۹۹۰), *The concise oxford Dictionary of literary trans*, First Edition, Oxford university.